

دکتر محمد اعتمادی را احتمالاً بچه‌های مدارس تیزهوش بیشتر می‌شناسند. مدیر ۵۸ ساله اصفهانی و تقریباً جدید سازمان ملی پرورش استعدادها در خشان، قبل از این ۲ سالگی هم در فاصله سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ بر صندلی ریاست دانشگاه صنعتی شریف نشسته است. گفت و گو با او چندان ساده نیست. دکتر کم حرف است، اما لبخند دائمی‌اش بعد از پاسخ دادن به هر سوال از لبش پاک نمی‌شود. شنیدن دانسته‌ها و تجربه‌هایی که یک مدیر نخبه از مدیریت بر نخبه‌های جوان ایرانی دارد، جالب و تأمل برانگیز است.

نقطه ضعف نخبه‌ها؟ معتدل نبودن!

محمد مهدی حاجی پروانه

● آقای دکتر! فکر می‌کنید جوانی شما با جوانی جوان‌های امروز چه فرقی دارد؟

اگر بخواهم دقیق جواب بدهم، باید برگردیم به اینکه اساساً ما آمده ایم در این دنیا تا در یک مسابقه شرکت کنیم؛ مسابقه اینکه چه کسی می‌تواند بهترین کار را به بهترین نحو انجام بدهد. خود خداوند هم می‌فرماید: «الذی خلق الموت والحیات لبلولکم ایکم احسن عملاً». حالاً این مسابقه در بازه‌های زمانی مختلف برای هر کسی متفاوت است. همه دنبال این هستند که به کمال برسند. مسلم است دشواری‌های این زمان، تفاوت و ویژگی‌هایش بر مسابقه‌ای که کارش انتخاب بهترین هاست تأثیری ندارد. تمام این ابتلاها و ساز و کارهای موجود برای این است که بهترین‌ها در انجام هر کار مشخص بشوند. در نتیجه ما باید با توجه به ظرفیت‌ها، شرایط مکانی و استعدادها درونی‌مان برگردیم دنبال بردن مسابقه زندگی در همان شرایط.

● این جواب خیلی کلی است.

آخر ببینید، من فکر می‌کنم این جور مقایسه‌ها قیاس مع الفارق است. قطعاً شرایط صدر اسلام با الان فرق می‌کند. جوان‌های آن موقع با جوان‌های انقلاب و آنها هم با جوان‌های الان قطعاً تفاوت دارند. چون در شرایط متفاوتی زندگی کرده‌اند. در این آرایش‌های متفاوت تاریخی هم باید ببینیم نقش هر کس چیست. به این سوال این گونه نمی‌شود جواب داد.

● خوب، تفاوت این آرایش‌های تاریخی را بین جوانی خودتان و جوانی نسل ما چه می‌دانید؟

جوانی ما با جوانی جوان‌های امروز خیلی متفاوت بود؛ ببینید دورانی که شخصیت آدم شکل می‌گیرد - نوجوانی و اوایل جوانی - اینکه چه کسانی و چه جوری انسان را پرورش بدهند خیلی مهم است. تفاوتش هم این بود که جوانی ما، شرایط و محدودیت‌های خیلی متفاوتی داشت. شرایط حکومتی با ارزش‌های اسلامی متعارض بود.

توی آن شرایط سخت باید سعی می‌کردی مطابق با اسلام و ارزش‌های اسلامی رشد کنی. معیار آن بود. الان شرایط فرق کرده. کشورمان مطابق با ارزش‌های اسلامی است. محیط زندگی، اسلامی است و ارزش‌های اسلامی شناخته شده‌اند. اما الان هم می‌شود خلاف این شرایط زندگی کرد. این به خود آدم بستگی دارد.

● به نظر تان کدام یک از این شرایط سخت‌تر است؟

این موضوع بستگی به این دارد که عناصر تأثیرگذار بر افراد چطور آرایش پیدا کرده باشند. به نظر من الان شرایط فراهم است که اگر جوانی بخواهد خودش را در محیط و شرایط رشد قرار بدهد، عوامل هم‌افزا خیلی در این راه کمکش می‌کنند. به نظر من الان امکاناتی وجود دارد که آن موقع وجود نداشت. در نتیجه تعداد انسان‌هایی که در این مسابقه «بهتر بودن» جا می‌مانند، زیاد بود. هر چند از آن طرف الان فضای عمومی رسانه‌ای تأثیرگذار بر فرد دامنه وسیع‌تری دارد و این هم کار را سخت می‌کند.

● این شرایط مساعد برای رشد جوان‌ها چه چیزهایی هستند؟

در سنین متفاوت، فرق می‌کند؛ مثلاً فکر می‌کنم در دوران راهنمایی مدارس ما می‌توانند تأثیرگذاری بر افراد را تقویت کنند. در این دوران معلم‌ها خیلی اثرات ماندگار و عمیقی روی بچه‌ها می‌گذارند؛ خانواده هم همین‌طور. فضای بیرون هم همین‌طور. این است که هر چه بتوانیم این فضا را بیشتر گسترش دهیم، امکان رشد جوان بیشتر فراهم می‌شود.

● شما در زندگی خودتان فکر می‌کنید این مسابقه را برده‌اید؟

نه. فکر می‌کنم از ما جلوتر خیلی‌ها بودند و هستند.

● فکر می‌کنید موفقیتتان چه دلیلی داشت؟

نقش پدر من در زندگی‌ام خیلی موثر بود. اما اگر جزئی‌تر بخواهید، آن عناصری که اعتماد به نفس را در وجود انسان تقویت می‌کنند در ادامه زندگی و موفقیت‌هایش هم به او خیلی کمک می‌کنند؛ بنابراین فرایندهای آموزش و پرورش ما باید در این راستا باشند که اعتماد به نفس آدم‌ها را تقویت کند.

● چند سالتان است؟

متولد ۱۳۳۲ هستم.

● یعنی قطعاً جوانی تان مصادف با انقلاب بوده؟

تا شما سن جوانی را چه تعریف کنید (می‌خندد).

● یعنی دوره انقلاب، شما جوان هم بوده‌اید؟

بله. نوجوانی‌هایمان قبل از انقلاب بوده.

● ایران بودید؟

نه. از سال ۵۴ برای ادامه تحصیل رفتم خارج. لس آنجلس. فضای آنجا بین جوان‌های ایرانی فضایی کاملاً سیاسی بود. انواع و اقسام گروه‌های سیاسی دانشجویی فعالیت می‌کردند. نسبت به فضای اینجا خیلی بازتر بود. آنجا ما در جمع بچه‌های انجمن اسلامی بودیم. با شدت گرفتن انقلاب فعالیت‌هایمان هم گسترش و توسعه پیدا کردند؛ اعضا هم بیشتر شدند. فعالیت‌های اعتقادی، بینشی و اجتماعی داشتیم. روی بحث‌های سیاسی هم کار می‌کردیم. ما هم‌زمان با درس، در انجمن فعال بودیم خیلی برای ما پر تجربه بود. آن دوران، دوران رشد سریع بود. فعالیت‌های فرهنگی‌مان هم بیشترین تأثیرگذاری را داشت. فضای کار راحت‌تر بود. تا نزدیک پیروزی انقلاب که کار خیلی سخت شد. از زمانی که شاه آمد آمریکا، تظاهرات خیلی گسترده‌تر شد، فشار آمریکا روی بچه‌ها هم خیلی زیاد شد. در یکی از این تظاهرات‌ها ریختند و تعداد زیادی از ما را دستگیر کردند. فشار آن قدر زیاد بود که بعضی‌ها ناچار می‌شدند درس را رها کنند و برگردند.

● به عنوان کسی که مدت‌هاست با جوان‌ها سروکار دارد، نقطه ضعف و قوت جوان‌های تیزهوش را در چه می‌دانید؟

فکر می‌کنم مهم‌ترین نقطه ضعف جوان‌های نخبه عدم اعتدال باشد. این طوری عرض کنم که انسان برای توفیق در زندگی احتیاج دارد که از همه ظرفیت‌های وجودی‌اش خوب استفاده کند. اول باید بداند که ظرفیت‌های وجودی‌اش زیاد هستند و این را باور کند، بعد باید آنها را رشد بدهد؛ آن هم در محیط‌های مناسب؛ چه مدرسه و چه دانشگاه. در آموزه‌های دینی ما به این می‌گویند تقوا. تقوا یعنی قدرت مدیریت درونی ظرفیت‌ها. این را از این جهت می‌گویم که اگر یک جوان فقط روی یک حوزه و یک ظرفیتش سرمایه‌گذاری کند، آسیب‌پذیر می‌شود؛ مثلاً جوان‌های نخبه فقط روی درس زوم می‌کنند. شخصیت باید چندبعدی رشد کند. از بزرگترین آفت‌های جوانان ما این است که اعتدال در شخصیت ندارند؛ همین‌طور مدیریت ظرفیت‌های مختلف و درونی‌شان مشکل دارد. بچه‌های ما این را هنوز خوب یاد نگرفته‌اند. خیلی از آدم‌های متوسط هستند که چون ظرفیت‌های درونی‌شان را شناخته و خوب پرورش داده و تک‌بعدی نمانده‌اند، از خیلی از نخبه‌های علمی ما جایگاه بالاتری دارند.

● تعریف شما از جوان ایرانی در یک جمله چگونه است؟

جوان‌های ایرانی پر از استعداد هستند. اگر بتوانند در مسیر درست قرار بگیرند، به راحتی رقابت را می‌برند. این را تاریخ نشان داده که تمدن ایرانی سال‌ها تمدن برتر جهان در حوزه‌های مختلف بوده؛ مثلاً آنچه در این رابطه می‌شود گفت، این است که گذشته ما نشان می‌دهد ما ظرفیت بازگشت به آن تمدن طلایی را داریم؛ به شرطی که

بتوانیم از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خودمان خیلی خوب استفاده کنیم.

● یعنی اگر بخواهید به جوان ایرانی از ۲۰ نمره بدهید، چند می‌دهید؟

راستش را بگویم؟ زیر ۱۰. یعنی عملکرد جوان‌های ما مقابل استعدادمان زیر ۱۰ است. مردود شده‌ایم. این به آن معنی است که جوان‌های امروزی خیلی بیشتر از اینها می‌توانند موفق باشند. ظرفیت‌هایشان خیلی بالاتر از حد کنونی است اما درست از این ظرفیت‌ها استفاده نکرده‌اند. هنوز خیلی تا کمال فاصله داریم. البته این معدل نمره ما است؛ این به آن معنی نیست که جوان نمره ۱۹ و ۲۰ نداریم.

● فکر می‌کنید این مردود شدن از کجا آب می‌خورد؟

مادر شرایطی قرار داریم که ساز و کارهای متنوعی که باید به این کمال کمک کند، خیلی درست چیده نشده‌اند. آموزش و پرورش خیلی می‌تواند به این قضیه کمک کند اما متأسفانه به نسبت جمعیت تحت پوشش دستش به لحاظ بودجه و منابع خیلی بسته بوده و منابع ما به نسبت یک آموزش و پرورش پیشرفته بسیار کم و ناچیز است. سرمایه‌گذاری ما در حوزه دینی و پرورش هم باید خیلی بیشتر و بهتر از الان باشد. نقش خانواده‌ها هم خیلی مهم است. پتانسیل‌های جوان‌های ما در موقعیت بالفعل خود، با الان و آن چیزی که موجود است، فاصله قابل ملاحظه‌ای دارد. البته خوب ما خیلی هم عناصر مثبت داریم که اثر بخش هستند. اما فاصله زیاد است.

● چشم‌انداز ۱۵-۱۰ سال آینده جوان‌های امروز را چطور می‌بینید؟

فرصت خیلی هست. هدف آدم باید این باشد

که در هر شرایطی خودش به

کمال برسد.

